



اجتماعی

نکند جوانانها

زنگ خطر را

به صدا در آورند!

علائق، نیازها، ویژگیها و خواسته‌های خاص خود را دارا می‌باشند. تنها همین نکته ضرورت توجه و برنامه‌ریزی خاص برای قشر جوان جامعه را بیش از پیش عیان می‌سازد. اما برای این کار باید از کجا شروع کرد؟ هدفهای عمده این برنامه‌ریزی چه چیزهایی باید باشد؟ پیش شرطها، پیش نیازها و ملزومات این برنامه‌ریزی کدامند؟ سهم دولت با دستگاهها و ادارات و وزارتخانه‌های دولت در این میانه چیست؟ به عبارت دیگر مسئول اصلی رسیدگی به امور جوانان کیست؟ اصلاً حدود و

بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵ جمعیت بین سنین ۲۹-۱۰ سال کشور بالغ بر ۱۹ میلیون نفر بوده است، مهمتر آن که میانه سنی جمعیت از ۱۷/۴ در سال ۱۳۵۵، در سال ۱۳۷۰ به سن ۱۶ سالگی رسیده است. این بدان معناست که سن ۵۰ درصد جمعیت کل کشور کمتر از ۱۶ سال است. جمعیت جوان و نوجوان ما، که اقشار گوناگونی از دانش آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان تا کارگران و تحصیلکردگان و نیز تعداد زیادی از بیکاران را در بر می‌گیرد، مجموعه گروههای متنوعی را شامل می‌شود که هر کدام

نغور مسئله را چگونه مشخص می‌کنیم؟ آیا جوان موجود سرکش و عصیانگری است که به هر قیمتی باید او را به راه آورد؟ یا یک گروه اجتماعی مسئله‌برانگیز است یا اینکه یکی از گروه‌های محروم اجتماع‌اند که باید نیازها و خواسته‌های آنها را به هر حال تامین کرد؟ واقعاً ارزیابی ما از وضعیت فشرجونان جامعه چگونه است؟ آیا بالاخره می‌توان امید داشت که روزی این عمده‌ترین سرمایه اجتماعی ما مورد بهره‌برداری دولت قرار گیرد؟

### حجة الاسلام دری نجف‌آبادی:

در مورد جوانان و مسائل و مشکلات آنها دامنه بحث و گفتگو بسیار متنوع و گسترده است. اما قبل از ورود به بحث، می‌بایست به یکی دو نکته توجه داشته باشیم. چنانکه از آمار و ارقام برمی‌آید، جامعه ما یکی از جوانترین جوامع دنیاست و نسل جوان ما تسلی است که شخصیتش تقریباً در دوران انقلاب شکل گرفته است و این باعث می‌شود که جوانان ما ویژگی‌های خاص خود را داشته باشند، ولی از طرف دیگر بر همین جوان بودن آنها ویژگی‌های دیگری مترتب می‌شود که از جمله اثرپذیری آنهاست. حال با توجه به تهاجم گسترده فرهنگی کشورهای بیگانه و بخصوص کشورهای غربی، آسیب‌پذیری جوانان ما بیشتر می‌شود. بنابراین باید به فکر این مهم باشیم که برای این نسل چه باید کرد؟

اولین نکته‌ای که منطقی به نظر می‌رسد این است که باید دست به یک مطالعه کامل نظری و کاربردی بزینم و از زوایای گوناگون این مسله را مورد ارزیابی قرار دهیم؛ زوایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مسله را تعیین کنیم و از دیدگاه‌های مختلف مذهبی، روانشناسی و جامعه‌شناسی مسله را مورد مذاقه قرار دهیم، تا انشاءالله عملی‌ترین و مناسبترین راه‌ها ارائه شود و به بهترین شیوه‌های ممکن برای انتقال و ارتباط فرهنگ یک نسل به نسل‌های بعد برسیم، تا هم بتوانیم میراث غنی فرهنگ اسلامی را حفظ کنیم و هم بتوانیم فرهنگ انقلاب را به نسل‌های بعد بسپاریم.

مسله دیگری که به نظر من باید مورد مطالعه قرار گیرد، وضع موجود جوانان ما در جامعه و یافتن مشکلات آشکار و پنهان آنها است و نیز شناخت روحیات، خلیقات و استعداد‌های آنها هم مهم است.

مسله دیگر مشخص کردن اهداف خود ماست در برنامه‌های جوانان، یعنی بالاخره ما باید مشخص کنیم که چه توقعی از جوانان داریم و آنها هم باید چه انتظاراتی را برآورده کنند.

مسله دیگری که باید مورد مطالعه قرار گیرد و مطالعه و تحقیق در مورد آن لازم است نقش دادن به خود جوانان در امر برنامه‌ریزی و امر اجراءست معمولاً سنت بر این بوده است که در مراحل مختلف شناسایی، برنامه‌ریزی و اجرا به نقش خود جوانان و استفاده از توانائی‌هایشان کمتر توجه شده است. اینها عمده مسائلی است که به نظر بنده برای دستیابی و پاسخ به آنها بایستی مطالعات و تحقیقات لازم صورت بگیرد.

### آقای مهندس باقریان:

به نظر من برای رسیدن به راه حل و شناخت قابل‌انکاه از وضع موجود قبل از هر چیز نیاز به یک عزم ملی داریم. آیا بدون در نظر گرفتن چنین موضوعی می‌توان مسئله جوانان را جدی گرفت؟ اگر تاکنون از جوانان کشور غافل بوده‌ایم در حقیقت به خاطر عدم وجود چنین عزمی بوده است. آیا میانه سنی ۱۷ سال برای جمعیت کشور که در سال ۶۵ اعلام گردید و نیز رقم ۹ میلیون جمعیت جامعه جوانان در سال ۶۵ و رقم ۱۵ میلیونی فعلی برای ما

اینها و بسیاری سؤالات بی پاسخ دیگر ما را بر آن داشت که تلاش کنیم با برگزاری نشست‌های مختلف این بحث مهم را زنده نگه داریم و مانع از آن شویم که لااقل این مسئله مهم همانند بسیاری دیگر از مسائل به صورت فصلی و موردی درآید و با اختصاص یک هفته یا یک روز از هیاهوی مطبوعاتی به آن، شون اصلی مسئله لوٹ شود و با فراغت از آن و اکتفا به سمینارها و مراسم ساده لوحانه ماهها و سالها را سپری می‌کنیم تا روزی که برای بیدار شدن از خواب نوشین بسیار دیر شده است.

آنچه در پی می‌آید حاصل گفتگوهای اولین میزگرد ما در این زمینه است که با حضور تعدادی از مسئولین و صاحب‌نظران انجام گرفته است. در اینجا لازم است که ابتدا شرکت کنندگان در این میزگرد را به خوانندگان خود معرفی کنیم:

- ۱- آقای علی آقامحمدی (مدیر عامل باشگاه فرهنگی ورزشی استقلال)
- ۲- آقای مهندس محمد باقریان (مدیر مسئول نشریه سیمای جوان)
- ۳- حجة الاسلام قربانعلی دری نجف‌آبادی (رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس)
- ۴- آقای مهندس داودی میرشمسی (عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس)
- ۵- آقای سید حسین وزیري (رئیس سازمان جوانان هلال احمر)

کلمه: برای شروع بحث در مورد برنامه‌ریزی در امور جوانان مهمترین مسئله تعیین چهارچوب بحث است. جوانان مسائل و مشکلات خاص خود را دارند. بعضی برخاسته از ویژگی‌های سنی و برخی ناشی از شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آنهاست که به صورت پیچیده‌ای در یکدیگر تاثیر می‌گذارند. در حال حاضر با مشکلات جدی در این حوزه سروکار داریم که حل آن بدون برنامه‌ریزی مشخص، بدون و حساب شده مسیر نیست. برای ورود به بحث و تعیین چهارچوب‌های مورد نظر لطفاً نقطه نظر‌هایتان را مطرح فرمایید.

### مهندس باقریان:

برای رسیدن به راه حل و شناخت، قبل از هر چیز نیاز به یک عزم ملی داریم

### حجة الاسلام دری نجف آبادی:

اولین نکته منطقی این است که: باید دست به یک مطالعه کامل نظری و کاربردی بزنیم

### آقای وزیری:

متأسفانه باور به این که سلامت نسل جوان ضامن آینده مملکت است، هنوز در بسیاری از مسئولین ما وجود ندارد.

هشدار و زنگ خطر نیست؟ گرچه مسئولان طراز اول کشور بر این موضوع مکرراً تأکید کرده‌اند، ولی می‌توان گفت که امروزه این موضوع را مدیریت کشور به عنوان یک موضوع درجه یک تلقی نمی‌کند.

سازمانها و نهادهای مختلفی که در ارتباط با جوانان فعالیت می‌کنند - وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا وزارت آموزش و پرورش و سایر دستگاهها - هر کدام به تنهایی و منفک از هم حرکت می‌کنند. هیچ دستگاهی دانشجو را به عنوان یک سرمایه ملی تلقی نمی‌کند و به تبع چنین طرز تلقی نادرستی که وجود دارد، مشکلات معیشتی، تحصیلی، اشتغال، ازدواج جوانان را از حیطه مسئولیت خود خارج می‌دانند. این بدان معناست که جامعه ما هنوز به یک عزم ملی در برخورد با مسائل جوانان نرسیده است. بنابر این یکی از پیش نیازهای اصلی برای دستیابی به شناخت وضع موجود و حل مسائل و مشکلات، نشان دادن بذر موضوع جوانان به عنوان یک عزم ملی، هر ذهن مدیریت نظام است.

### آقای وزیری:

در اینجا با توجه به مطلبی که آقای باقریان مطرح فرمودند، می‌توانیم به مسئله هماهنگی در برنامه‌ریزیها هم بپردازیم. بدین معنی که بعد از آماده شدن ذهنیت نظام اجرایی کشور در پرداختن به مسایل جوانان و ظهور آن عزم ملی، باید تمام دستگاهها ضمن بسج همه امکانات در عین خالص برنامه‌ریزی خود را هماهنگ سازند.

وقتی که مسئله جوانان مطرح می‌شود، بخش عمده آن را دانش آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دهند. علاوه بر این در میان جامعه جوان کشور ما اقشار مختلف دیگری هم وجود دارند که در محیطهایی که با مراکز علمی و دانشگاهی ما متفاوت است، به کار و زندگی خود مشغولند. ممکن است برای هر یک از این گروهها و دستگاهها و ادارات ذریبط به اقتضای کارشان مستقلاً برنامه خاصی را در پیش بگیرند و بسته به نوع کار خود به بُعد اجتماعی یا اقتصادی یا فرهنگی مسئله اهمیت بدهند. طبیعی است این نوع کار باعث آشننگی و پراکنده کاری می‌شود. بنابراین باید علی‌رغم همه این پراکنده کاریها، مرجع یا دستگاهی را به وجود آورد که مراکز متعدد تصمیم‌گیری را با هم هماهنگ کند. این نکته‌ای که گفته شد مسلماً بعد اجرایی کار را در نظر دارد و با رعایت آن ما به نتایج مطلوبتری می‌رسیم. بعد نظری و مطالعاتی این نکته هم همان است که آقای دری نجف آبادی فرمودند، یعنی هنوز مرکز واحدی تشکیل نشده است تا در این زمینه به مطالعه بپردازد تا بر اساس اطلاعات و تحلیلهای این مرکز برنامه واحدی برای دستگاههای اجرایی کشور تدوین شود.

این تقیصه در مسائل زیادی برای ما مشهود و ملموس است که یک نمونه آن مسئله سلامت جسمانی و فعالیت‌های جسمی و ورزشی جوانان است. خوب با توجه به جنب و جوش و تحرک زیاد جوانان، اهمیت این مطلب کاملاً روشن است، ولی تا به حال در این مورد کار خاصی صورت نگرفته است و نه کسی برنامه‌ای داده و نه کسی همت فکر کردن به این مسئله را داشته است.

متأسفانه باور به این که سلامت نسل جوانان ضامن آینده مملکت است، هنوز در بسیاری از مسئولین ما وجود ندارد و همه دستگاههای کشور هم از این نکته غافلند. اولین مطلبی که در این مورد باید مورد توجه قرار گیرد این است که یک کار وسیع توجیهی انجام بشود و این باور در مسئولین ایجاد شود که سلامت و شادابی نسل جوان در آینده کشور تا چه حد موثر خواهد بود. اگر در ایجاد چنین روحیه و باوری موفق شویم، می‌توانیم در بسیج امکانات و تواناییهای بالفعل کشور به نتیجه‌ای مثبت دست پیدا کنیم. آن عزم ملی مورد نظر آقای باقریان هم به عنوان مقدمه و پیش شرط به چنین باوری نیاز دارد.

### آقای داودی شمس:

بنده هم می‌خواهم این نکته را به صورت دیگری توضیح بدهم. بدین ترتیب که دستگاههای اجرایی کشور در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی برنامه‌های دزخوور توجهی را در فهرست برنامه‌های خود برای جوانان ندارند و در حقیقت اگر برنامه‌ای هم وجود دارد تهی از محتواست و جذابیت چندانی ندارد. در واقع برای جمعیت زیاد جوانان کشور - که نزدیک به ۶۰ درصد از کل جمعیت را در برمی‌گیرد - برنامه خاصی وجود ندارد. البته این هم نکته مهمی است که خیلیها تمام چنین توقعاتی را از دولت دارند و مسئولیت تمام این مسائل را متوجه دولت می‌دانند، اما دولت به تنهایی قادر به این کار وسیع و حجیم نیست و نیازمند همکاری سایر اقشار جامعه هم هست. مثال زنده ما مسئله آموزش است که در حال حاضر مشکل به حدیست که دولت بدون مشارکت عموم قادر به حل آن نیست.

در مورد مسائل جوانان هم، دولت باید زمینه ساز فعالیتها باشد و بستر کار را فراهم نماید تا اینکه از طریق مشارکت خود جوانها امور مختلف جریان طبیعی خود را طی کنند و دولت فقط نقش هدایتی و نظارتی بر آنها را به عهده بگیرد. البته هدایت هم نباید تنها به صورت «تصیحت» صرف در بیاید. متأسفانه این وضع در حال حاضر هست و ما در برخورد با جوانان صرفاً به نصیحت و موعظه اکتفا می‌کنیم. این است که مسائل اصلی مغفول می‌ماند و به جوانان ما راه حل مسائلشان نشان داده نمی‌شود. آنها نمی‌دانند که با مسائل و مشکلات خود چگونه باید برخورد کنند، مسائل فکری و فرهنگی و نیز مشکلات اجتماعی خود را از قبیل اشتغال، ازدواج، تحصیل، اوقات فراغت

### آقای داودی شمس:

وقتی جوان مسائل خود را بی پاسخ بیابد و یک الگوی رفتاری مشخص هم نداشته باشد به مرور زمان دچار باس و سرخوردگی می شود.

### آقای آقامحمدی:

آنچه مسلم است این است که تاکنون در زمینه مسئله جوانان کاری جدی صورت نگرفته است.

### مهندس باقریان:

به شرط حاصل شدن پنج پیش شرط (عزم ملی، تعریف مفاهیم و کلیات، تعیین ملاک‌ها و شاخص‌ها، برقراری زبان مفاهیم و تحلیل درست از وضعیت محیط پیرامون جوانان) می توانیم برنامه و شناخت قابل اعتمادی از وضع موجود جوانان کشور داشته باشیم

### آقای مهندس باقریان:

بحث ما در شرایط و لوازم اجتناب ناپذیر برنامه ریزی برای جوانان بود و هر یک از آقایان نکته‌هایی را مطرح کردند که اجمالاً می توانیم آنها را به این صورت دسته بندی کنیم:

اولین پیش شرط ما با توجه به غفلتها و بی‌موضعیهایی که تاکنون صورت گرفته است، شناختن و شناساندن اهمیت این مسئله است در سطح ملی و رسیدن به آن عزم ملی است که عرض شد. واقعیت این است که جمعیت ۶۰ میلیونی فعلی و ۹۰ میلیون آینده نزدیک که بخش اعظم آن را جوانان تشکیل خواهند داد، ایجاد و تقویت چنین عزمی را بیش از پیش ضروری و اجتناب ناپذیر می‌کند. به مرحله ما مجبوریم که اهمیت مسئله را در سطح ملی مطرح کنیم و در این سطح که باید احساس مسئولیتها را به وجود آوریم.

دومین پیش نیازی که برای رسیدن به برنامه ریزی لازم است، ارائه برخی تعاریف است. یعنی باید بدانیم جوانان را چه گروهی می‌دانیم؟ تعریف جوانی چیست؟ جوانان از چه مشخصات و ویژگی‌هایی برخوردارند؟ اینها نمونه سئوالهایی است که بایستی به عنوان پیش شرط دوم مورد بررسی قرار گیرد و به آنها پاسخ بدهیم تا بتوانیم به طرح الگوی واحد و جامعی برای جوانان برسیم. اهمیت این پیش شرط در این است که تعیین اهداف و برنامه‌ها و اصلاً هر نقطه و نکته‌ای از برنامه با توجه به این مطالب و مبتنی بر آنهاست.

نکته سومی که در اینجا باید مطرح کنیم، تعیین ابزار اندازه گیری و یا به عبارتی دقیقتر تعیین ملاکها و شاخصها است. این نکته از دو جهت لازم و ضروری است: اولاً به تلقی ما از جوانان و الگو یا الگوهایی که در نظر گرفته‌ایم، شأن کاربردی و عملی می‌دهد و همیشه معیارها و شاخصهایی برای اندازه گیری اهداف و استراتژیها در اختیار ما می‌گذارد، ثانیاً هم در شناخت وضع فعلی و ترسیم و تحلیل موقعیت کنونی جوانان کشور، ما را کمک می‌کند و هم این که زمینه مناسبی به دست ما می‌دهد که چگونه حرکت و سیر خود را از وضعیت فعلی به طرف اهداف خود سامان بدهیم. به علاوه، مسئله شاخصها و معیارها این طور نیست که مثلاً از خود جوانان بپرسیم که به نظر شما جوانهای ما باید چگونه باشند؟ چون مسلماً او به واقعیتهای اجتماع می‌نگرد و آنچه را که مطلوب می‌بیند مطرح می‌سازد. در حالی که وقتی ما می‌توانیم نسبت به خوب یا بد بودن یک موضوع قضاوت کنیم که یک وضع ایده آل و مطلوبی را در نظر داشته باشیم تا به هنگام مقایسه وضع موجود با آن به یک قضاوت منطقی دست پیدا کنیم.

نکته چهارم که در مباحث آقایان صراحت چندانی نیافت، این است که ما باید به نحوه برقراری ارتباط با جوانان توجه بسیاری داشته باشیم. در حال حاضر می‌توانیم بگوییم که کانال ارتباط و مراوده بین مسئولین اجرایی نظام و

و... را چگونه باید حل و فصل نمایند.

از طرف دیگر وقتی که جوان این مسائل خود را بی پاسخ بیابد و یک الگوی رفتاری مشخص هم نداشته باشد به مرور زمان دچار باس و سرخوردگی می‌شود و بدتر از آن این است که جوان ما بی هویت و بی جایگاه می‌شود و مسئله بی‌هویتی جوانان ما پیش می‌آید که باید بگوییم امروزه مشکل اصلی جوانان ما است.

### آقای آقامحمدی:

آنچه که مسلم است و جای تذکر مجدد دارد این است که تاکنون در زمینه مسئله جوانان کاری جدی صورت نگرفته است و تا به حال تشکیلات مناسب و حتی سیاست‌گذاریها و هماهنگیهای لازم وجود نداشته است. به عبارت دیگر شیوه کار بدان گونه نبوده است که مسئولان رده بالای مملکت و شخصیتهای فکری و تصمیم‌گیرنده در کنار هم بنشینند و تصمیماتی دقیق و جدی بگیرند و همه چیز را از قبل روشن کنند و نیازمندیها و اولویتها را معلوم نمایند تا نوع جدیدی از زندگی را پایه گذاری کنند. همان طوری که گفتیم بدنه جمعیت جوانان کشور طیف بسیار وسیع و گسترده‌ای را تشکیل می‌دهد، اما متأسفانه برای آن مغز و محتوایی پیش‌بینی نشده است و این مهم تا به حال بر زمین مانده و رها شده است. این موضوع، موضوع کوچک و بی‌اهمیتی نیست که با تهیه چند زمین ورزشی و یا ساختن تعداد معدودی مرکز فرهنگی و یا بابرگزاری چند سمینار، بتوانیم آن را حل کنیم. نه این که اینها هیچ تاثیری ندارند، پرا موثر هستند، اما هیچوقت نقش تعیین کننده‌ای ندارند و مشکل گشای کار ما نیستند. به این ترتیب اولین وظیفه ما در این بحث این است که به اهمیت و جایگاه نسل جوان پی ببریم و توجه داشته باشیم که اگر به نسل جوان بی توجهی بشود، قطعاً جامعه ما با این بنسهای بزرگی مواجه خواهد شد و چنان آسیب پذیر می‌شویم که راهی جز بهرانهای اجتماعی در پیش رو نداریم.

مرحله دوم پرداختن به نکاتی است که آقایان فرمودند. یعنی باید وضع موجود جوانان، استعدادها و تواناییهای بالقوه آنان دقیقاً مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. بعد هم می‌رسیم به مسئله بعدی که تعیین اهداف و استراتژیهای جامعه در قبال جوانان است و این هم باید به نحوی باشد که همه امور جاری و روزمره ما در جهت آن اهداف قرار بگیرد.

کلمه:

حالا با توجه به محدودیت وقت و برای این که سیر واحدی را طی کنیم از آقای باقریان خواهش می‌کنیم که مباحث مطرح شده را جمع بندی کنند.

جوانان وجود ندارد. در شرایط فعلی ما به خلق یک زبان مفاهمه میان این دو نیازمندیم، زبانی که بتوان از طریق آن به خواسته‌ها، آمال، آرزوها و مسائل و مشکلات جوانان پی برد. در واقع به خاطر عدم وجود چنین رابطه‌ای است که بسیاری از برنامه‌ها جنبه ذهنی و غیر واقع بینانه داشته و ثمر بخش نیست و احياناً نتیجه معکوس هم دارند.

آخرین پیش شرط ما تعیین حد و ثغور محیطی جوانان است. چون ظاهراً ما فقط از جوانان ایرانی صحبت می‌کنیم و نه حتی از جوانان مسلمان به معنای اعم آن. بنابراین بررسی وضع دنیای خارج و جهان پیرامون کشور ما برای شناخت جوانان و برای حد و حدود مشکلاتمان لازم و ضروری است. این مسئله اساسی که دنیای امروز به چه سمت و سویی حرکت می‌کند و چه بخشی از آن بیشترین تاثیر را بر روی جوانان ما می‌گذارد و مهمترین و اصلی‌ترین منابع تاثیر بر آنها کجاست، نکته‌ای است که به هیچ وجه نباید از آن غافل بود. در واقع باید بدانیم در جغرافیای فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مبادلات ما چگونه است و از کدام مجاری و چگونه صورت می‌گیرد؟ خوب از طرف دیگر تعیین اهداف و انتخاب راه و شیوه کار ما بدون توجه به این مسائل نمی‌تواند باشد.

کلمه: به نظر می‌رسد که این پیش شرطها چارچوب خوبی برای ادامه بحثهای ما باشد. گویا در مباحث اولیه آقایان راجع به اهمیت مسئله و عزم ملی به اندازه کافی صحبت شده باشد. در اینجا از حجة الاسلام دزی نجف آبادی خواهش می‌کنیم راجع به پیش شرط دوم، بخصوص از دیدگاه اسلامی، نقطه نظر ایشان را مطرح بفرمایند.

آقای دزی نجف آبادی:

پیشنهاد خوبی است، پس اگر اجازه بدهید قدری هم به تعاریف و کلیات بپردازیم:

در عرف روانشناسی رشد برای تعریف جوان معیاری را از نظر سن و بیولوژیکی ذکر می‌کنند. به عنوان مثال فردی را که بین سنین ۱۸ تا ۲۵ سالگی است جوان می‌خوانند، در حالی که این تعریف در جامعه اسلامی گویا نیست. در اینجا است که قرآن کریم مسئله رشد را مطرح می‌کند که با آنچه امروزه در

فرهنگهای اقتصادی راجع است تفاوت اساسی دارد و در حقیقت مسائلی چون هدایت، تربیت، صلاح و کمال انسانی را پیش می‌کشد که در برابر غن و گمراهی و سقوط است.

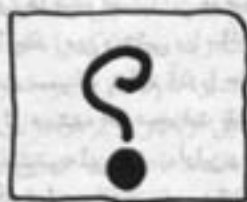
نکته دیگری که از دیدگاه اسلام در این باره مطرح می‌شود، این است که علاوه بر بلوغ عقلانی و اجتماعی به بلوغ جسمی هم اهمیت داده می‌شود. در حقیقت از دیدگاه دینی بلوغ جسمی نقطه شروع جوانی است. در این مرحله فرد، اهم از دختر یا پسر باید خود را برای پذیرش مسئولیتهایی آماده کند، چه از این مرحله به بعد است که به شرف عبودیت ناظر می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم مسئله جوانی را از دیدگاه مذهبی تفسیر کنیم، بدین صورت است که جوانی مرحله‌ای از زندگانی است که خود فرد در آن دارای شخصیت و هویت جدیدی می‌شود که قبلاً فاقد آن خصوصیتها بوده است و به دنبال این تحول است که وظایف و تکالیف الهی بردوش او گذاشته می‌شود.

حرف دیگر این است: جوان کسی است که تازه وارد جریان اجتماعی شده است و از نظر احساسات، عواطف، تحمیل، کار و تشکیل خانواده، با موقعیت تازه‌ای روبرو می‌شود. به عبارت دیگر او کسی است که دارای آن شخصیت اجتماعی و تجربیات ۲۰-۳۰ ساله افرادی که جوانی را طی کرده‌اند، نیست و از طرف دیگر مرحله کودکی و نوجوانی را سپری کرده و تواناییهای جدیدی را در خود کشف کرده است. بنابراین آنچه که در اینجا اهمیت دارد این است که آنها متوجه استعدادها و تواناییهای فراوانی بشوند که خداوند به صورت بالقوه در آنها قرار داده است به علاوه در این مرحله بسیار پراهمیت است که او راه رشد و کمال را پیدا کند، یعنی این باور را در او بارور کنیم که در صورتی که خود را بشناسد و موقعیت و شخصیت خود را درک کند و به دنبال الگوهای مناسب حرکت کند، زمینه رشد و متعالی و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی او به عنوان یک انسان مفید و سالم فراهم است، و می‌تواند در سرنوشت خود و جامعه‌اش موثر باشد.

اما در مورد انتظاراتی که از یک جوان مسلمان وجود دارد و تلقی اسلام از نحوه گذران ایام جوانی، در روایتی از حضرت رسول اکرم (ص) آمده است که ایشان فرمودند: «دوست ندارم جوانی از مسلمانان را ببینم مگر در دو حالت: یا عالم باشد و یا در تلاش برای فرا گرفتن علم، اگر چنین نکند تفریط کرده است و سرمایه و عمر و جوانی را به هدر داده است، پس خود را ضایع و لذا گناه کرده

پیش‌کشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی



از قلب کشور ما پیش می آید و لازم است با مردم هر دو کشور با هم  
مورد برخورد می شود. بنابراین لازم است که با عملی شدن این  
کمی که باید در این زمینه با هم همکاری داشته باشیم  
آن مواردی که در این زمینه با هم همکاری داشته باشیم  
مورد برخورد می شود. بنابراین لازم است که با عملی شدن این  
کمی که باید در این زمینه با هم همکاری داشته باشیم  
آن مواردی که در این زمینه با هم همکاری داشته باشیم



است و هر کس گناه کند، به آن خدایی که بجان محمد(ص) را بحق آفریده، جایگاه او در جهنم است.» بنابراین جوانان عزیز باید قدر جوانی خودشان را بدانند. حضرت علی(ع) هم در این مورد می فرمایند: «شیطان لایعرف فضلها لامن فقههما: الشباب والعاقله. یعنی دو نعمت است که تا انسان آنها را دارد قدرشان را نمی داند: اول جوانی و دوم نعمت سلامتی.»

مسائل فرهنگی کشور اختصاص داده شود. اگر چنین شده بود که هنوز هم دیر نیست. به طور قطع انقلاب اسلامی با اطمینان خاطر بیشتری از مرحله جوانی خود عبور می کرد.

کلمه:  
گویا الان موقع آن شده باشد که نگاهی هم به وضعیت و موقعیت کنونی جوانان کشور داشته باشیم. آقایان اگر نظری در این مورد دارند مطرح بفرمایند.

### آقای وزیری:

درباره دوره جوانی و موقعیتهای اجتماعی جوانان با توجه به مشخصات و شرایط سنی، روحی و روانی و نقش این نسل در مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از دیدگاههای دینی، روانشناسی و جامعه شناسی تعاریف مختلفی بیان شده است، که هر کدام در جای خود محل توجه و بحث و گفتگوی بسیار است. شاید بیان یک تعریف جامع و مورد قبول همه اندیشمندان، قبری مشکل باشد لذا برای برنامه ریزیها معمولاً از تعاریفی که توسط مجامع رسمی، ملی و بین المللی ارائه می شود استفاده می گردد. برادرمان جناب مسجد جامعی در شماره اول «کلمه» در مقاله ۱۱ درآمدی بر مسله برنامه ریزی برای جوانان در این باب به تفصیل سخن گفته اند، به هر صورت دوره جوانی پر است از نقاط بحرانی که در زندگی همه انسانها پیش می آید. بحرانهای این دوره همچون طوفان سریع هر آنچه را که سنت باشد خراب می کند. پیش بینی این طوفانها امکان پذیر است و راههای چاره با توجه به موقعیت هر شخص قابل تعیین است. بنده بدون این که وارد این بحث که در جای خود لازم و ضروری است بشوم باز بر این نکته تأکید می کنم که هر دیدگاهی به مسائل و منافع کشور بگیریم باید بیشترین سرمایه گذاری را برای نسل جوان داشته باشیم.

### آقای داودی شمس:

برای ترسیم وضع موجود جوانان و شناخت جایگاهی که در حال حاضر جامعه برای آنان قائل است، بهترین کار این است که به عنوان مقدمه به مسائل و مشکلاتی که جوانان با آن مواجه هستند و نحوه برخوردی که با موضوع آنان صورت می گیرد بپردازیم.

اگر به تاریخ انقلاب برگردیم و اوضاع و احوال اوایل انقلاب را به خاطر بیاوریم مشاهده می کنیم که در تمام مراحل انقلاب از راهپیماییها و تظاهرات و هر گیرهای مسلحانه گرفته تا کمکهای امدادی و سایر برنامه هایی که در مناطق و مجلات شهری و روستایی و مساجد برقرار بود، جوانان فعالانه شرکت داشتند و اصلاً ابتکار عمل در دست آنها بود. با حضور آنها بود که نهادها و ارگانهای مختلف تشکیل شد و تولید و اداره امور آنها به دست جوانان بود. در زمان جنگ تعمیلی هم باز ما شاهد حضور جدی جوانان در جنگ هستیم و تمام صفحات تاریخ جنگ با رشادتها و ایثارگریهای آنها پر شده است. عمده نقش آنها در بسیج، مساجد و سازمانهای رزمی و آموزشی آن موقع است.

از جانب دیگر در همان اوایل انقلاب و حتی مدتهای اخیر نیز مسئولین اهمیت و جایگاه بیشتری را برای جوانان قائل بودند و برای آنها نقشهای بیشتری را در نظر می گرفتند. در صورتی که امروزه اوضاع کلی فرق کرده است. چون از طرفی جوانان آن منزلت و جایگاه اوایل انقلاب را ندارند و از طرف دیگر مسائل جوانان رها شده و کسی هم سراغ آنها نمی رود و در نتیجه مسئولین هم برای آنها برنامه خاصی پیش بینی نکرده اند و مشکلات آنان را جدی نمی گیرند.

به عنوان نمونه برای جانبازان و نیز خانواده شهدا که هر دو دسته جزو

کشور ما، هم از نظر تقسیم بندی های سنی در زمره جوانترین کشورهاست و هم از لحاظ ویژگیهای حکومتی و انقلابی در مرحله جوانی است. بنابراین توجه به نسل جوان توجه به مصالح انقلاب هم هست. انقلاب ما بتدریج مرحله جوانی را پشت سر می گذارد و وارد مرحله بزرگسالی و در نتیجه تعادل برنامه ها می شود. باید همه امکانات به کار گرفته شود تا با مطلوبترین وضعیت وارد این مرحله شویم.  
شاید چندان دور از انتظار نباشد اگر توقع داشته باشیم بودجه یکی از بزرگترین پروژه های اقتصادی به سرمایه گذاری برای تربیت نسل جوان و



دانشگاهی کشور رقم بالایی را تشکیل می‌دهد.

طبق سرشماری سال ۱۳۶۵ هرم سنی جمعیت کل کشور در سن ۱۷ سالگی شکسته می‌شود، در صورتی که به علت رشد بی‌رویه جمعیت و جوانتر شدن آن از نظر سنی، هرم سنی از ۱۷ سالگی به ۱۶ سالگی رسیده است. بنابراین ملاحظه می‌کنید که میانه سنی جمعیت روز بروز پایین‌تر می‌آید و این خود پنود زنگ خطری است که وضع موجود ما را ترسیم می‌کند. اما متأسفانه در حال حاضر کشور ما حول جامعه پیران اداره می‌شود و همین نکته مسلماً مشکلات بسیاری را برای ما به وجود خواهد آورد، به طوری که جامعه ما می‌تواند با یک تعارض عمیق اجتماعی مواجه شود. اگر چنانچه تاکنون با یک تعارض جدی منجر نشده است، به خاطر این واقعیت است که ما هنوز از روزهای اوج انقلاب فاصله زیادی نگرفته‌ایم و مسئولین کشور تا گذشته‌ای نه چندان دور جوان بوده‌اند و به جوانان اجازه مشارکت در برنامه ریزها و تصمیم‌گیریها می‌داده‌اند. ولی متأسفانه روز بروز سن آنان بالا می‌رود و اهمیت و توجیه به مسئله جوانان و سپردن مسئولیت به آنها هر روز کم‌رنگتر و بی‌اهمیت‌تر می‌شود، چون از این زاویه دید، پیرها افراد با تجربه و دنیا دیده‌ای هستند که صلاحیت و توان پذیرش نقش موثری را در جامعه ندارند. بدین ترتیب بین شکاف بین این دو نسل روز بروز بیشتر خواهد شد. مسلماً نسلی که غلبه و اکثریت را داراست، قادر هم هست که همه چیز را بهم ریخته و از نو سامان دهد. بنابر این ملاحظه می‌شود که چگونه بی‌توجهی به نسل جوان و کنار گذاشتن و نادیده گرفتن این مجموعه عظیم، واقعی و توانا در فکر و عمل می‌تواند مشکل آفرین باشد. به نظر من این مسئله مهمترین و اصلی‌ترین مشکلی است که در حوزه بحث از جوانان قابل طرح است.

نکته دیگر این است که حل این مشکلات و در پیش گرفتن سیاستی که این مشکلات را حل کند، مستلزم تحولی است در مدیریت جامعه و رسیدن به نوعی مدیریت اجتماعی است که در آن مجموعه وسیع جامعه جوان کشور مشارکت کنند. البته این کار هم مستلزم متوجه کردن افکار عمومی به سوی این هدف و تغییر در نوع نگرشها و برنامه ریزهاست.

آقای وزیری:

مسلماً همینطور است و جوانان گروههایی بخرانزا هستند. بخرانهای که

قشر جوان جامعه ما هستند، کار جدیدی صورت نمی‌گیرد و برنامه مشخصی وجود ندارد و حتی برنامه‌ها و مراسمی که در گذشته وجود داشت، هر روز کم‌رنگتر می‌شود و بتدریج هم به فراموشی سپرده می‌شود. بنیاد شهید و سایر دستگاههای ذیربط صرفاً به چند برنامه کلیشه‌ای اکتفا کرده‌اند و کسی هم نیست که بپردازد خانواده‌های شهدا و نیز جانبازان ما که عموماً از قشر جوان جامعه هستند، در چه وضعی به سر می‌برند و چه مشکلات و مسائلی دارند. در مراسم سنی مذهبی هم وضع بر همین منوال است، یعنی حضور جوانان بجز در مراسمی مثل تاسوعا و عاشورا در سایر مراسم در حال تهی شدن و فراموش شدن است. بنابراین ما شاهد انزوای جوانان در اداره جامعه و حتی از مسائل و امور مربوط به خودشان هم هستیم.

امروزه مسئولین و دست‌اندرکاران ما حضور خود را برای اداره مملکت کافی می‌دانند و در مدیریت جامعه نقشی به جوانان نمی‌دهند. حتی از مجموعه برخوردهایی که با جوانان صورت می‌گیرد این طور استنباط می‌شود که از دیدگاه کلی حاکم بر جامعه، بیشتر از دوزخ برای کار و فعالیت جوانان قاتل نیست که یکی مشارکت جوانان در مسائل نظامی و حراست از امنیت کشور و برقراری نظم و جلوگیری از آشوبهاست و دیگری برخورد با مسئله بدحجابی و منکرات که البته چارچوب و برنامه ریزی مشخص هم برای آن در نظر ندارند. امروزه به تکرار گفته می‌شود که بسیج و جوانان با مسئله بدحجابی و منکرات برخورد کنند و نباید امر به معرف و نهی از منکر را فراموش کنند، ولی علی‌رغم این تأکیدها، هنوز روشها و شیوه‌های کاربردی و اجرایی آن را برای جوانان و بسیجیان روشن نکرده‌اند. همین‌ها باعث می‌شود که حضور جوانان ما در این دو زمینه هم به شکل اداری و رسمی دربیاید و حالت خودجوشی و درونزایی خود را از دست بدهد، و هم به قشر خاص و تعداد معدودی از جوانان کشور محدود شود.

آقای آقامحمدی:

ببینید، کشور ما دارای جمعیت جوانی است و محیطی که جوانان در آن هستند با محیطی که ما و امثال ما در گذشته در آن بودیم به کلی تفاوت دارد. این مسئله که جمعیت محصل کشور از سال ۵۷ تا به حال سه برابر شده است، چیزی نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت. امروز جمعیت دانشجو و

در اغلب کشورها پیش می‌آید و نظم اجتماعی را برهم می‌زند معمولاً یا نسل جوان شروع می‌شود. بنابراین لازم است که ما خیلی جلوتر از این بحرانها حرکت کنیم. اگر چنانچه جامعه ما نخواهد در آینده دچار بحران نشود، اولین گامی که باید بردارد این است که زمینه‌های بحران را بشناسد و برای مقابله با آن برنامه‌ریزی کند و برای برخورد با مسائل، حل آنها و جلوگیری از تبعات آن آمادگی کامل داشته باشد و جامعه برای این کار، حتماً باید مسطه جوانان را در صدر برنامه‌هایش قرار دهد، به طوری که ضمن ارتقا و رشد همه جانبه سطح پیش و آگاهی جوانان کشور، آنها را در مقابله با آسیبها و تهاجم‌های بیگانگان واکنش‌دهنده کند.

کلمه : چون بحث تهاجم فرهنگی پیش آمد، جا دارد که با توجه به ضیق وقت اشاره‌ای هم به پیش شرط پنجم داشته باشیم.

#### آقای آقامحمدی:

برای رسیدن به این بحث من به مسطه تعریف جوانی برمی‌گردم. یکی از نکاتی که بایستی در تعریف جوانی در نظر بگیریم و یا این لااقل آن را در ضمن مشخصات جوان بیابیم این است که شخصیت یک جوان هنوز به یک شکل است و شکل نهایی خود را پیدا نکرده است. به این دلیل جوان به آسانی و خیلی سریع آماده و مهیا برای شکل گرفتن است. اهمیت این مطلب در بعد اجتماعی قضیه است. نتیجه این خصوصیت به لحاظ بعد اجتماعی آن این است که در جوامعی که متوسط سن بالاست و جامعه پیر به حساب می‌آید، تغییرات به کندی و به سختی صورت می‌گیرد و جامعه و افراد آن کمتر حاضر به تغییر روال و رویه معمول و متداول خود هستند. لذا در این قبیل جوامع ایجاد یک حالت و عادت جدید و عوض کردن وضعیت قدیم نیاز به تلاش و سرمایه‌گذاری بسیاری دارد، در حالی که در جوامعی که غالب افراد آن جوان هستند و جامعه کم سن و سال به حساب می‌آید، جا انداختن یک عادت و روش جدید به سادگی امکان‌پذیر است، این است که ایجاد تغییر و تحول در جوامع جوان مستلزم سرمایه‌گذاری‌های مختلف نیست.

متأسفانه در جامعه ما به این نکته توجه کمی شده است و حتماً لازم است که به این نکته توجه کنیم، چون حتی به نظر من اینجا حساسترین و ضربه‌پذیرترین نقطه ماست و می‌تواند بزرگترین نقطه ضعف ما هم باشد. در اینجا است که می‌توانیم بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کنیم.

واقعیت این است که دنیای امروز از جهت‌های مختلفی با دنیای دیروز فرق دارد و جو غالب جهانی اصلاً یک چیز دیگری شده است. مثلاً ابزارها و وسایل ارتباطی به اشکال جدید و متنوع‌تری نسبت به سابق به بازار آمده است و ارتباطات شکل کاملاً تازه‌ای به خود گرفته است. از طرف دیگر فعالیت‌های فرهنگی در جهت افکار جهانی به شکل فزاینده‌ای رشد و تنوع یافته است کشورهای غربی با ابزار و امکانات و تکنولوژی‌های برتر و پیچیده‌تری در عرصه بین‌المللی حضور دارند و اینها در حقیقت به معنای در نوردیدن مرزهای بین‌المللی و حضور در عرصه‌های مختلف داخلی هم هست. امروزه دیگر چیزی به عنوان مرزهای فرهنگی میان کشورها قابل تمیز نیست. در سال ۲۰۰۰ این مرزها باز هم بیشتر خواهد شکست. بحث ماهواره‌ها، تلویزیونهای سراسری و برنامه‌های کامپیوتری به گونه‌ای خواهد بود که حتی یک فرد هم وجود نتواند داشت که بتواند خود را از سیل امواج و برنامه‌ها کنار بکشد.

جوانان ما امروزه در چنین شرایطی قرار دارند و بیگانگان به آسانی با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. جوانان ما در معرض این تهاجم‌ها قرار دارند. اگر در این شرایط جوانان ما دارای یک هویت و شخصیت استوار بشوند، قادر به مقاومت هستند، در غیراین صورت توقع این که به طرف فرهنگ غرب گرایش پیدا

نکنند، توهمی نابجا و نادرست است.

خلاصه کلام این که، در عصر فعلی که عصر ارتباطات هم خوانده می‌شود، جامعه ماخواه ناخواه در معرض این تهاجم‌ها فرهنگی قرار دارد و ورود عناصر فرهنگی بیگانه امری اجتناب‌ناپذیر است. حالا مهم این است که چگونه می‌توانیم با آن مقابله کنیم و جامعه جوان کشور را در مقابل آن مقاوم سازیم. این سیل حتماً به سوی ما می‌آید و ما باید سدی در مقابل آن بسازیم و امکانات ساخت این سد فقط در درون جوانها و با استفاده از استعداد خود آنهاست. به گمانم در اینجا اهمیت پیش شرط چهارم یعنی یافتن زبان مناسب مفاهمه هم روشن شده باشد.

#### آقای باقریان:

پس اگر ما بخواهیم برنامه و یا ضمناً شناخت قابل اعتمادی از وضع موجود جوانان کشور بدیم، شرط حصول آن پنج پیش شرط (عزم ملی، تعریف مفاهم و کلیات، تعیین ملاکها و شاخصها، برقراری زبان مفاهمه و تحلیل درست از وضعیت محیط پیرامون جوانان) است، آن وقت است که می‌توانیم به برخورد درست هم بپردازیم. وقتی که آن عزم ملی فراهم آمد و آن ارتباط و مفاهمه برقرار شد و به این نتیجه رسیدیم که اصولاً حرفی برای گفتن هست و در مقابل گوشی هم برای شنیدن وجود دارد و اعتماد متقابل پدید آمد، می‌توانیم بپرسیم که ما از نظر فرهنگی در چه شرایطی قرار داریم و اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه جوان کشور چگونه است و در چه موقعیتی قرار دارد. بنابر این هم مشخص می‌شود که جوانان ما در چه بستری باید حرکت کنند و هم امکانات و توانایی‌هایی که در اختیار هست، (اعم از امکانات فیزیکی و تکنولوژیکی و امکانات معنوی و روانی) چه چیزهایی است.

در اینجا این نکته را هم یادآور شوم که یکی از مسائل اساسی که در مورد امکانات مطرح است، طرز تلقی نادرست از آن و نشناختن این امکانات است. تصور خیلی‌ها از امکانات، امکانات محدودی است که در اختیار بعضی از سازمانهای مرتبط با جوانان هست، مثل زمین ورزشی و کلاسهای هنری و امثالهم. همین باعث می‌شود که بسیاری از سازمانها و وزارتخانه‌ها با نوعی بی‌طرفی یا مسطه مواجه می‌شوند و اصلاً احساس مسئولیت هم نمی‌کنند در صورتی که، اگر همان اصل اول ما یعنی عزم ملی در سطح کشور ایجاد شود و یک تعریف جامعی از امکانات ارائه شود و همه خود را در برخورد با مسطه جوانان مشغول و مکلف بدانند، به طور طبیعی امکانات خود را هم به کار خواهند گرفت. به طور مثال اگر دانشجوی به عنوان یک سرمایه ملی تلقی شود و همه این تلقی را داشته باشند که این دهها هزار دانشجویی که به عنوان نخبگان جامعه از امکانات محدود آموزشی استفاده می‌کنند، متعلق به همه ما هستند، در آن زمان است که مسئله اشتغال و کمک هزینه‌های تحصیلی آنها با مشارکت کلیه دستگاهها به سادگی قابل حل است و در چنین شرایطی است که کلیه امکانات کشور به کمک می‌آیند. در صورتی که در حال حاضر به دلیل نبودن عزم ملی و نداشتن این هم‌تاهتمام مسائل و مشکلات بر دوش وزارتخانه مربوطه گذاشته می‌شود.

کلمه:

از همه عزیزان سپاسگزار و ممنونیم.